

تا سال ۶۹۵ ه. است. نویسنده آن شناخته نیست و چنین می‌نماید که دست‌کم بخشی از این کتاب در روزگار طغول سلجوقی تألیف شده باشد. چنانکه در وقایع سال ۴۴۵ ه. لقب او ذکر شده است (storey/ ۲۶۴). بخش اول این کتاب «مبتنی بر مأخذ معتبر و مشتمل بر روایات و اخبار جالب در باب حوادث سرزمین سیستان و نواحی مجاور است... و خاصه از جهت اشتمال بر اخبار خوارج سیستان و احوال یعقوب لیث و اخلاق و اعقاب او و بسیاری مطالب دیگر فواید زیاد دارد» (زین کوب / ۵۹). تاریخ سیستان را ملک‌الشعرای بهار به چاپ رساند. کسانی دیگر از جمله محمود بن یوسف اصفهانی ذیلی بر آن نگاشته‌اند و وقایع آنرا تا سال ۷۲۵ ه. رسانده‌اند.

احیاء الملوك، تأثیر شاهحسین بن ملک غیاث‌الدین محمد



از بازماندگان صفاریان، تاریخ دیگری است در باب سیستان که وقایع را تا سال ۱۰۲۸ ه. ادامه داده است. این مورخ تذکره‌ای هم به نام خیرالبیان دارد (storey/ ۳۶۴). ظهیرالدین ابوالحسن علی بن زید بیهقی معروف به این فندق یکی از اعضای خاندان‌های کهن بیهق بود که در سال ۴۹۹ ه. در سیزه‌وار متولد شد و در نزد میدانی تحصیل کرد و در سال ۵۴۹ ه. قاضی بیهق شد. ولی پس از چند ماه این منصب را اگذاشت و چندی رادری، نیشابور، سرخس و بیهق گذراند و از سال ۵۲۷ تا ۵۴۹ ه. در نیشابور اقامت گزید و به تدریس پرداخت. این فندق در سال ۵۶۵ ه. دارفانی را داد گفت. تاریخ بیهق خود را در سال ۵۵۶ ه. به پایان برد که تاریخ منطقه بیهق با شرح حال ناموزان این خطه است (ibid / ۲۵۳-۴). این کتاب متنضم معلومات مفیدی درباره انساب خانواده‌های آن ولایت است. این فندق

در ظهور و رشد این نوع تاریخ‌نگاری بود از این رو در آن وجود افسانه‌ها و روایت‌های گزافه از برای درشت‌نمایی یک شهر و یا منطقه اندک نیست. تاریخ‌نگاری محلی نوعی شهرشناسی در بطن تاریخ است که اطلاعات جامع و همه‌جانبه‌ای درباره کیفیت و چگونگی پدید آمدن شهرها، اعیان و اصول و نام آواران علم و ادب و هنر آنها، مزارات، آرامگاهها و بناها و خصوصیات جغرافیایی و حتی اجتماعی و اقتصادی دارند. در بعضی از تواریخ محلی اطلاعاتی آمده که در تاریخ عمومی و یا سلسله‌ای دیگر نمی‌توان سراغ گرفت.

بحشمن را از سرق ایران شروع می‌کنیم که کهن ترین تاریخ‌نگاری محلی در آنجا شکل گرفت و قدیمی‌ترین آثار را در این حیطه پدید آورد. تاریخ سیستان را عموماً به میانه سده پنجم هجری مناسب می‌دارند که خلاصه‌ای از وقایع

از نحله‌های تاریخ‌نگاری در ایران، تاریخ‌نگاری محلی است که بخصوص پیش از دوران صفویان و نیز در دوره قاجار از اختنای ویژه مورخان برخوردار بود. این نوع تاریخ‌نگاری از حس شهروطنی و تفاخر بومی مایه می‌گرفت و شیوه زندگانی شهری را در دل تاریخ به تصویر می‌کشید. مشوق اصلی پدیداری تاریخ‌نگاری محلی، سلسله‌های محلی و حکمرانان بومی آنها بود. گردآوری اطلاعات دربار شهرها و ولایات مختلف از برای حکومت مرکزی نیز بخصوص در کیفیت وضع مالیات‌ها و طرز وصول آنها، اهمیتی درخور داشت. در تاریخ‌نگاری محلی، نوعی تناوم نهفته بود و ذیل نویسی یکی از ویژگی‌های آن بر Shermande می‌شد. نویسنده‌گان و مورخان در ادوار مختلف سوانح احوال حکمرانان و سلسله‌های محلی را به اقتضای زمان بدان می‌افزودند. از آنجا که تفاخر محلی و بومی عامل مهمی

تاریخ نگاری محلی از حسنه شهر وطنی و تفاخر بومی مایه می‌گرفت و شیوه زندگانی شهری را درون تاریخ به تصویر می‌کشید. مشوق اصلی پدیداری تاریخ نگاری محلی، سلسله‌های محلی و حکمرانان بومی آنها بود

گردآوری اطلاعات در باب شهرها و ولایات مختلف از برای حکومت مرکزی نیز بخصوص در کیفیت وضع مالیاتها و طرز وصول آنها، اهمیتی در خور داشت

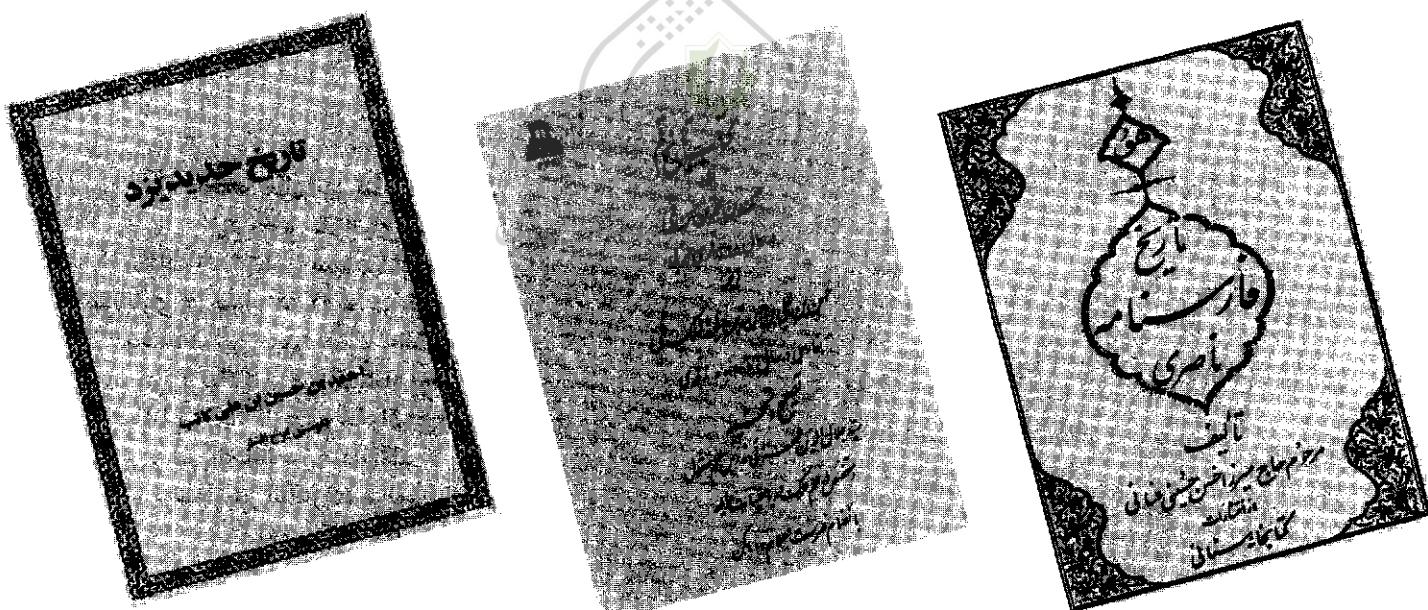
در باب سلجوقیان کرمان بود که محل استفاده محمدبن ابراهیم و ناصرالدین کرمانی قرار گرفته است. عقدالعلی للموقف الاعلی تأثیف افضل الدین ابوحامد احمدبن حامد عبدالله بن عمر در حدود سال ۶۱۰ ه. به عربی است که در سال ۶۷۷ ه. به فارسی برگردانده شده و تاریخی است در باب بلخ و مساجد و مدارس و سلاطین و سکنه و غیر آن (زین کوب / ۶۲-۶۳). ابوعبدالله محمدبن احمدبن سلیمان بخاری معروف به غنچار و متوفی به سال ۳۱۲ ه. تاریخی داشته درباره بخارا که ظاهراً از بین رفته است. ولی ابوکر محمدبن جعفر نرشخی در سده چهارم از این تاریخ بهره گرفته و تاریخ بخارا خود را به زبان عربی و به نام نوح بن نصر سامانی نوشته و بعدها ابونصر احمدبن محمد قاوی در میانه سده ششم آن را به فارسی برگردانده است. این تاریخ درباره بخارا اطلاعات سودمندی درباره اینجا باید از تاریخ کرمان احمدعلی خان وزیری هم یادی کنیم که در سال ۱۲۹۱ ه. تأثیف کرد و جمیع جهات تاریخ

در مورد شهرهای ماوراءالنهر باید از بلخ و بخارا نیز سخنی به میان آورد. فضایل بلخ نوشته صفوی الدین ابویکر عبدالله بن عمر در حدود سال ۶۱۰ ه. به عربی است که در سال ۵۸۱ ه. به فارسی برگردانده شده و تاریخی است در باب مساجد و مدارس و سلاطین و سکنه و غیر آن (زین کوب / ۳۵۷). ibid, ۱/۳۵۷.

کتاب دیگری به عربی به نام مشارب التجارب داشته و بر دمیة القصر باخزری هم حاشیه‌ای زده بوده است (۳۵۴/ibid) تتمه صوان الحكمه یا تاریخ حکومی اسلام نیز از اوست.

در صحبت از تواریخ محلی شرق ایران نباید تاریخ نیشابور این البيع ابوعبدالله محمدبن عبدالله نیشابوری را فراموش کرد. این کتاب از تواریخ اواخر سده چهارم هجری و موسوم به تاریخ علماء مدینه نیشابور بوده که به زبان عربی نگارش یافته و بعدها به فارسی نیز تلخیصی از آن صورت گرفته است و از مراجع معتبر تاریخ خراسان است (زین کوب / ۶۲).

سیفین محمدبن یعقوب هروی معروف به سیفی هروی از شاعران و قصیده‌سرایان دربار ملک فخرالدین



کرمان را بیشتر از حیث تاریخ دوره قاجار بررسی کرد. در باب یزد، تاریخ محلی بالتسیبه زیاد است. کهن‌ترین اثر در این حیطه تاریخ یزد جعفری است از آثار سده نهم هجری که اطلاعات مبسوطی راجح به تاریخ و جغرافیای یزد دارد و مؤلف آن جعفرین محمد معروف به جعفری طبع شعر نیز داشته و یک تاریخ عمومی به نام تاریخ کبیر نیز نوشته است. احمدبن حسین بن علی کاتب، تاریخ جدید یزد را در سال ۸۶۲ ه. نوشت. مطالب این کتاب بیشتر مبتنی بر اطلاعات کتاب پیشین است. جامع مفیدی، تأثیف اوآخر سده یازدهم هجری، از دو اثر یاد شده جامع‌تر است (زین کوب / ۶۱-۶۲). مؤلف آن محمدمفید مستوفی بن نجم الدین محمود یاقوتی یزدی در سال ۱۰۷۷ ه. مستوفی اوقاف و دو سال بعد ناظر اوقاف یزد بود. او بعدها به اصفهان و نجف و کربلا و بصره سفر کرد و در سال

سامانیان و قلمرو سلطنت آنهاست و مطالبی درباره تحولات این سامان دارد که در مأخذ دیگر کمتر دیده می‌شود (همو / ۶۳). مطلع الشمس از اعتمادالسلطنه گزارشی از خراسان در سه مجلد است یکی وصف جاده مشهد از طریق دماوند؛ دیگری وصف مشهد مقدس و تاریخ آن از سال ۴۲۸ تا ۱۳۰۲ ه. و فهرستی از کتب موجود استان قدس رضوی؛ و سه دیگر گزارشی از سفر ناصرالدین شاه از طریق نیشابور، سبزوار، شاهروود، دامغان و سمنان و نام آوران این شهرها (storey / ۳۵۴).

در قلمرو تاریخ کرمان آثار مفصلی در دست است. ابوحامد حمید الدین احمدبن حامد ملقب به افضل کرمان در حدود سال ۶۹۲ ه. تاریخ جامعی به نام بداعی‌الزمان در ترسیل و انشا، شاعری و خطاطی نیز می‌دانسته است. تاریخ او وقایع هرات را تا سال ۸۷۵ ه. پیگیری کرده و در سال ۸۹۷ ه. به پایان برده و به سلطان حسین باقیرای تیموری اهدا کرده است. این کتاب به ۲۶ روضه فصل‌بندی شده است (ibid / ۳۵۵).

در تاریخ نگاری محلی نوعی تداوم نهفته بود و ذیل نویسی یکی از ویژگی‌های آن بر شمرده می‌شد. نویسنده‌گان و مورخان در ادوار مختلف سوانح احوال حکمرانان و سلسله‌های محلی را به اقتضای زمان پیمان می‌افزودند.

تاریخ نگاری محلی نوعی شهربنایی در بطن تاریخ است که اطلاعات جامع و همه جانبه‌ای درباره کیفیت و چگونگی پدید آمدن شهرها، اعیان و اصول و نام اوران علم و ادب و هنر آنها، مزارات، آرامگاهها و بنایها و خصوصیات جغرافیایی و حتی اجتماعی، و اقتصادی دارد.

است از این شهر و به سال ۱۲۸۸هـ، پایان یافته است (۳۵۰).
نخستین تاریخ قم در سال ۳۷۸هـ، به نام صاحبین
عبدالوزیر بویهیان به زبان عربی تألیف یافت و مولف آن
حسن بن محمدبن حسن قمی بود. این کتاب از بین رفته
ولی ترجمه فارسی آن با نام کتاب قم یا قم‌نامه و یا تاریخ
قم متعلق به اوایل سده نهم هجری است. این اثر مشتمل
بر اطلاعات تاریخی و بخصوص اجتماعی - اقتصادی این
شهر است و از آن می‌توان اطلاعاتی در خود راجع به قبائل
عربی ساکن در آن پیدا کرد (زیرین کوب / ۶۱).
محمدعلی بن محمدحسین بن علی بهاءالدین، تاریخ قم
دیگری در سال ۱۳۰۲هـ، نوشت.
در قلمرو ایلات و عشایر فارس و میزان دخالت و
تحرک آنها در وقایع سیاسی، اجتماعی، زمانه مم، توان، از

حقیقت تاریخ و جغرافیای فارس است. در این کتاب معلومات مفیدی هم در باب طوابق و بنادر و بلاد فارس آمده است (زین کوب / ۶۵). آثار عجم نوشته میرزا محمد نصیر حسینی مشهور به میرزا آقا و متخلص به فرصت هم خالی از اطلاعات مفید راجع به فارس نیست (storey / ۳۵۲).

۱۰۸۲ اه. از طریق بصره به سورات و سپس به دهلی و
جیدرآباد رفت و به خدمت محمداکبر فرزند چهارم اورنگ
زیب رسید (storey / ۳۵۲). میرزا حسین طهرانی
متخلص به ثریا احوال سیوند را برای احتشام السلطنه
فرزند فرهادمیرزا معتمدالسلطنه، در زمان حکومت او در
فارس، نوشت. این اثر بیشتر گزارش زیانشناختی این منطقه
است (ibid / ۳۵۳).

در احوال و آثار شهرهای فارس هم تواریخی تالیف شد که پیش از همه باید به فارسنامه ابن بلخی اشاره کرد. ابن بلخی کتاب خود را به دستور غیاث الدین محمود (۴۹۸-۵۱۱ ه.)، برادر بركیارق (۴۸۷-۴۹۸ ه.) سلطان سلسنجوی نوشت. واقعیت این کتاب از تاریخ اسلام و زمان پیامبر شروع می‌شود و تا روزگار نگارنده می‌رسد. حتی به سلسله‌های پیش از اسلام ایران نیز نظر دارد (ibid / ۳۵۱ / ۳۵۱).

فتنہ
بیان

مکتبہ ملک احمدیہ
جیونگ ٹاؤن
کراچی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
كُلُّ شَيْءٍ بِنَعْمَةِ اللَّهِ يَرْبِّي

تاریخ بختیاری یاد کرد که به دستور حاج قلیخان سردار اسعد بختیاری فراهم آمد (همو / ۶۶). اعلام الناس فی تاریخ بندر عباس هم تاریخی نسبتاً جدید است تألیف سدیدالسلطنه کبابی. در این اثر تحولات اقتصادی و اجتماعی، خوب ایران مضمون است.

کهنه ترین تاریخ درباره ایالات شمالی ایران متعلق به
محمد بن اسفندیار است. تاریخ طبرستان این اسفندیار در
سال ۱۳۶ع، تأثیف شد و در برداشته تاریخ این سامان از
کهنه ترین ایام تازمان فوت نویسنده است. نویسنده گمانی
ذیلی هم تا سال ۷۵۰هـ. بر آن افروده است. (۳۵۹-۶۰) (storey)
رسیده‌پروردگاران مرعشی، تاریخ طبرستان و
روایان و مازندران خود را با سرمشق از تاریخ طبرستان
این اسفندیار نوشت. اطلاعاتی که او درباره مرعشیان

(ibid / ۳۴۹). محمدمهری بن محمدرضا اصفهانی هم صفات جهان فی تاریخ اصفهان را در سال ۱۳۰۳ ه. نوشت. مولوف آن چندی را در هند در بین پارسیان گذراند و در سال ۱۲۷۷ ه. در تهران اقامت داشت. کتاب او احتوا بر واقعیت ارثی و مسائل جغرافیایی اصفهان دارد (ibid / ۳۴۹).

معین الدین ابوالعباس احمد بن ابیالخیر شیرازی معروف به ابن زرکوب شیرازی در سال ۷۴۴هـ . شیرازنامه خود را نوشته و در سال ۷۸۹هـ . دار فانی را وداع گفت. این تاریخ وقایع شیراز را تا سال ۷۴۴هـ . دنبال کرده و ضمن آن اشاراتی به بومیان، سلجوقیان، مغولان و آل اینجو دارد و در خاتمه آن نیز به سادات و عرفای شیراز مپردازد (ibid / ۳۵۱). هزار مزار که ترجمه‌ای است از شدالازار معین الدین ابوالقاسم جنید شیرازی در باب شناخت حکام اوران فارس، مأخذ مفیدی است. ریاض الفردوس نوشته محمد میرکین مسعودالحسینی در سال ۱۰۸۲هـ . با اینکه یک تاریخ عمومی ایران است ولی درباره فارس، کهگیلویه و خوزستان اطلاعات ویژه‌ای دارد (ibid -۲/ ۳۵۱-۲).

تحفة العالم نیز کتابی است در
تاریخ و جغرافیای شوشتر.
مؤلف این کتاب، سید عبدالحسین
شوشتری در سال ۱۲۴۶ ه. در خدمت
محمدحسین میرزا حشمت الدوله
از نوادگان فتح علیشاه بود.
اثر او گزارشی از تاریخ و جغرافیای
شوشتر و علیالخصوص بندخاقانی
است که توسط پدر شاهزاده مزبور
تعمیر شده بود.

احیاء الملوك، تالیف شاه حسین بن ملک غیاث الدین محمد، از بازماندگان صفاریان،
تاریخ دیگری است در باب سیستان که وقایع را تا سال ۱۰۲۸ ق. ادامه داده است

سیف بن محمد بن یعقوب هروی معروف به سیفی هروی از شاعران و قصیده‌سرایان
دربار ملک فخر الدین کرت بود. «تاریخنامه هرات» او وقایع این سامان را
از سال ۱۱۶۱ تا ۷۲۱ ه. دربرمی‌گیرد و احتوا بر اخبار راجع به مغول و ایلخانان و ملوک کرت دارد

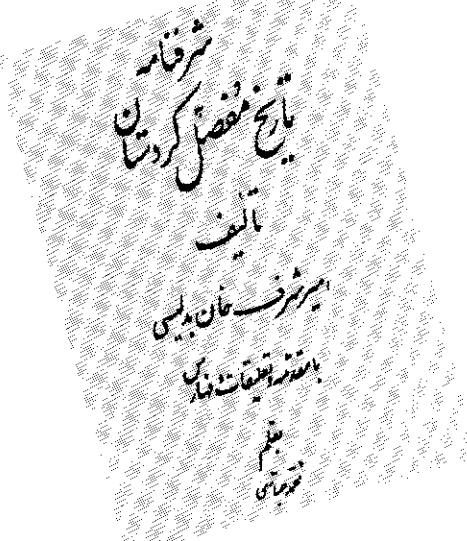
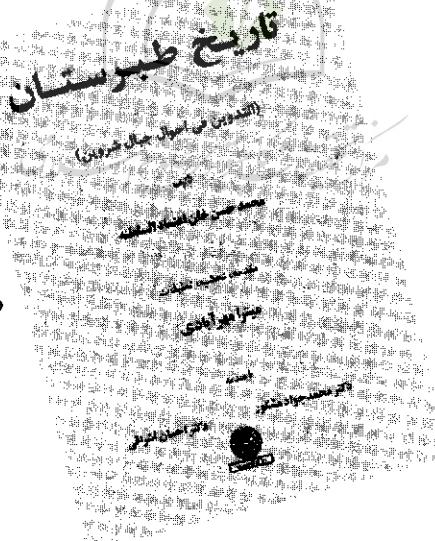
تاریخ بنواردلان را نوشتند. اولی تا وقایع سال ۱۲۲۵ ه. و
دومی تا رویدادهای ۱۲۵۰ ه. را شامل است (زرین کوب / ۶۵). در قلمرو تاریخ کردستان زبدة التواریخ سنندجی را
نیز نباید منقول گذاشت - فصل یارده آن نسبت‌نامه کردان
و امرا و حکام بنی اردن است و محمد شریف بن
ملامصفی قاضی اردن، آنرا در سال ۱۲۱۵ ه. تالیف
کرده است.

تاریخ و جغرافیای دارالسلطنه تبریز معروف به تاریخ
تبریز را نادرمیرزا قاجار در عهد مظفر الدین شاه نوشت و
لسان‌الملک سپهر آنرا تهدیب و اصلاح کرد. در این کتاب از
بنای تبریز و محل و مکان و تعداد جمعیت و چگونگی آب و
هوای محلات و قنوات و مساجد و مزارات و اینه و آثار تاریخی
صحبت شده است و وقایع تاریخی آن از صدر اسلام تا روزگار
قاجار را در شمال خود دارد (آرین پور، ۱۷۶/۱).

مؤلف این کتاب، سید عبدالحسین شوشتری در سال ۱۲۴۶ ه. در خدمت محمد حسین میرزا حشمت‌الدوله از نوادگان
فتح علیشاه بود. اثر او گزارشی از تاریخ و جغرافیای شوشتر
و على‌الخصوص بندخاقانی است که توسط پدر شاهزاده
مذبور تعمیر شده بود (ibid / ۳۶۵). عبداللطیف شوشتری
هم در تحفه‌العالم خود که یک حسب حال است گزارشی
از شوشتر اورده است (در سال ۱۲۱۵-۱۶ ه.). درباره تاریخ
خوزستان نمی‌توان بدون ذکر تاریخ پانصد ساله خوزستان
از سید احمد کسری گذشت. این تاریخ وقایع خوزستان را
از روزگار آل مشعشع تا زمان حاضر دربرمی‌گیرد.
درخصوص کردستان نیز تواریخی موجود است که
تحولات سیاسی و اجتماعی این خطه را مطمح نظر قرار
داده‌اند. بیش از همه باید از شرف‌الدین بدليسی و
شرف‌نامه او صحبت کرد. شرف‌الدین در سال ۹۴۹ ه.

مازندران آورده متحصر به فرد است و در منابع دیگر یافته
نمی‌شود. سید‌ظہیر الدین تاریخ دیگری با عنوان تاریخ
گیلان و دیلمستان دارد که در باب آل کیا و حکومت آنها
در گیلان تالیف کرده است. وقایع این تاریخ تا سال ۹۴۴ ه.
ادامه می‌باید و به کارکیا مردان میرزا علی بن سلطان محمد
اهدا شده است (ibid / ۳۶۱-۲). علی بن شمس الدین بن
حاجی حسین لاهیجی هم تاریخ خانی خود را درباره آل کیا
در محرم سال ۹۲۱ ه. شروع کرد و در صفر سال ۹۲۲ ه. به
پایان برد. وقایع آن سالهای ۸۸۰ ه. تا ۹۲۰ ه. را زیر پوشش
دارد (ibid / ۳۶۳). اوین کتاب را به دستور سلطان
احمدخان حاکم گیلان نوشت. اولی‌الله آملی تاریخ رویان
خود را در سال ۷۶۴ ه. به اتمام رساند و آنرا موشح به نام
فخر الدوله شاه غازی بن زیار (سلطنت در ۷۸۰-۷۶۱ ه.).
کرد (ibid / ۳۶۱). اعتمادالسلطنه هم اندیوین فی احوال

«فضائل بلخ» نوشه
صفی الدین ابو بکر عبدالله بن عمر
در حدود سال ۶۱۰ ه. ق.
به عربی است که در سال
۶۷۲ ه. ق. به فارسی برگردانده شده و
تاریخی است در باب بلخ و مساجد و
مدارس و سلاطین و سکنه و غیره



منابع و مأخذ:

در تحریر این مقاله افزون بر رجوع به آثار و تواریخ باد شده از
برای ارزیابی کم و کیف مطالع و اطلاعات آنها از آثار زیر نیز
استفاده شده:

آرین پور، یحیی: از صبا تا نیما، ج ۱، تهران، کتابهای جی،
۱۳۵۷.

زرین کوب، عبدالحسین: تاریخ ایران بعد از اسلام، تهران،
امیرکبیر، ۱۳۵۷ ش.

Storey, Persian literature..., II, London -
Luzac, ۱۹۳۶.

متولد شد و با فرزندان شاه طهماسب تعلیم و تعلم دید و
بعدها توسط او به مقامات برکشیده شد. در سال ۹۷۵ ه. از وقایع
به گیلان رفت و مدت هفت سال در آنجا ماند و مدت
هشت ماه هم حکومت شروان را بر عهده داشت.

شاه اسماعیل ثانی او را امیرالامرا کردان ایران کرد. او
شرف‌نامه خود را که تاریخ کردان است در سال ۱۰۰۵ ه. از
تکمیل و به یک مقدمه و چهار صحیفه و یک خاتمه
فصل بندی کرد. در این تاریخ اطلاعات ارزشمندی درباره
سلاطین کرد در الجزیره و دیار بکر و دینور و شهرزور، لر
بزرگ و لر کوچک (آل فضلویه) ایجاد، اردن و حکام
حسن کیفا و غیره آمده است (ibid / ۳۶۷).

جبال شروین را در باب تاریخ و جغرافیای طبرستان تألیف
کرد. عبدالفتاح فومنی تاریخ گیلان خود را از وقایع
سال ۹۲۳ ه. شروع و به وقایع سال ۱۰۳۸ ه. ختم کرد.
عبدالفتاح فومنی از اجزاء حکومت در فومن و لاهیجان
بود (زرین کوب / ۶۲).

تذکره شوشتر، تاریخ شوشتر تا سال ۱۱۶۹ ه. است.
این کتاب از تراجم احوال بزرگان این منطقه خالی نیست.
مؤلف آن سید‌باقرین نور الدین بن نعمت‌الله حسینی
شوشتری متخلص به فقیر است. نیای معروف او سید
نعمت‌الله جزایری است. وی در سال ۱۱۷۳ در شوشتر
درگذشت (ibid / ۳۶۳). بضاعة مزاجه هم تاریخی است
در باب شوشتر و مبتنی بر اطلاعات تذکره باد شده.
تحفه‌العالم نیز کتابی است در تاریخ و جغرافیای شوشتر.